

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 17 شهریور / 1384

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اولاً این میلاد بزرگ را تبریک عرض می‌کنیم و امیدواریم که خداوند متعال به همه‌ی ما این توفیق را عنایت کند که از «مصباح الهدی و سفینة النجاة» آن طوری که شایسته است، ان شاءالله بهره‌مند شویم. همچنین خوش آمد عرض می‌کنم به آقایان محترم و خبرگان منتخب ملت و تشکر می‌کنم از اجلاسی که داشتید و مطالب خوبی که در این اجلاس بیان فرمودید. بخصوص تشکر می‌کنم از بیانات حضرت آیت‌الله مشکینی (دامت برکاته) که حقاً و انصافاً ایشان معلم اخلاق هستند و سالهای متمادی است که از بیان و نفس گرم ایشان حقیقتاً استفاده می‌کنیم و امروز هم استفاده کردیم. همین‌طور از بیانات شافی و وافی حضرت آقای امینی (دامت برکاته) استفاده کردیم؛ ایشان هم امروز گزارش خیلی خوب و جامعی از ماحصل این اجلاس دو روزه بیان فرمودند.

آنچه بنده امروز می‌خواهم عرض کنم، ماحصلش در یک جمله است؛ و آن این که وظایف ما امروز از گذشته سنگین‌تر است. بعد از حادثه‌ی بزرگ انتخابات - که حقاً حادثه‌ی مهمی برای کشور بود - شاید ابعاد گوناگون آن بیشتر روشن شود. طرحهایی که برای کشور و نظام جمهوری اسلامی داشتند و تصویری واهی که از وضعیت کشور به ذهن طراحان و تصمیم‌گیران استکبار بین‌المللی منتقل شده بود و بر اساس آن تصور، برنامه‌هایی برای خودشان تعریف کرده بودند، و این که همه‌ی اینها با این انتخابات نقش بر آب شد؛ اینها مسائل بسیار مهمی است و حقاً دست قدرت و اراده‌ی الهی را ما باید در این حادثه ببینیم؛ مثل خیلی از حوادث دیگری که ما نبودیم که کاری کردیم؛ واقعاً قدرت الهی وارد شد. اجتماع عظیم مردم، حرکت عظیم مردمی، انتخابات پُرشور، حضور همه‌ی جناح‌ها و همه‌ی سلاطین در انتخابات، واقعاً نعمتهای الهی بود. البته کسانی که در این انتخابات شرکت کردند و صحنه را گرم کردند، آنها هم وسایلی بودند؛ لیکن اراده‌ی الهی بود که این وضعیت را پیش آورد.

امروز تصویر نظام جمهوری اسلامی در دنیا، تصویر دیگری است؛ احساس می‌کنند که این نظام مردمی است؛ مردم پای این نظام ایستاده‌اند؛ احساس می‌کنند که شعارهای انقلاب برخلاف آنچه آنها تبلیغ می‌کردند، زنده است. تصور می‌کردند که مبانی امام و مبانی انقلاب به فراموشی سپرده شد و نسلهای جدیدی که روی کار آمده‌اند، از آن مبانی روگردان شده‌اند و حتی مسؤولان و رجال این نظام هم تجدیدنظر کرده‌اند؛ اما اینها همه به هم خورد و روشن شد که نه، نظام اسلامی اگر پیشرفت علمی داشته، اگر در میدان فناوری پیشرفت داشته، اگر بروز استعدادها در طول این دو دهه به شکل حیرت‌آوری در همه‌ی صحنه‌ها چشم همه را به خود متوجه و خیره کرده، اگر این همه ساخت و ساز و نوسازی کشور در همه‌ی زمینه‌ها انجام گرفته، همه‌ی اینها در بستر تفکر نظام اسلامی صورت گرفته و دست‌هدایتگر انقلاب و نام امام و یاد امام و راه امام پیشوای همه‌ی این حرکات بوده و انگیزه‌های ایمانی این حوادث را به وجود آورده؛ این را همه حس کردند و فهمیدند؛ تصور غلطی که در ذهن‌ها بود، تصحیح شد و اعتبار نظام جمهوری اسلامی بالا رفت. امروز با این وضعیت جدید، احساس بنده این است که وظایف سنگین‌تری بر دوش همه است. من فقط چهار مورد را به اشاره و کوتاه عرض می‌کنم؛ چون وقت زیاد نیست.

وظیفه‌ی ما در درجه‌ی اول، حفظ اتحاد کلمه است. انتخابات با همه‌ی محسناتی که دارد و با شور و هیجانی که در جامعه ایجاد می‌کند - که یکی از بزرگترین حماسه‌ها را در طول سالها به وجود می‌آورد - معمولاً در هر دوره‌ی این عارضه را هم دارد که بین گروهها و افرادی از مردم دلتنگی‌هایی ایجاد می‌کند؛ بین جناح‌ها دلتنگی ایجاد می‌شود؛ بین گرایش‌های فکری و سیاسی دلتنگی‌هایی ایجاد می‌شود؛ بین سلاطین گوناگون - ولو با ختمشی واحد - دلتنگی‌هایی به وجود می‌آید؛ بین اشخاص و افراد دلتنگی‌هایی به وجود می‌آید. ما باید سرعت این عارضه را ترمیم کنیم. این ترمیم هم دست‌یک نفر نیست که بگوییم کدام سازمان، کدام مقام و کدام دستگاه این کار را بکند؛ این به عهده‌ی همه است. در درجه‌ی اول هم وظیفه‌ی سنگین‌تر به عهده‌ی افرادی است که شأن بالاتری دارند. همان‌طور که حضرت آقای مشکینی بدرستی بیان کردند، ماها بر حسب موقعیت حساس‌تری که داریم، وظیفه‌مان

در همه ی موارد - از جمله در این مورد - سنگین تر است. سعی کنیم آنچه را که در دوران انتخابات از دلتنگی ها و کدورت ها به وجود آمده و احياناً زخم هایی بر دلها و جانها خورده، التیام دهیم. هر وقتی هم يك طور و يك شكل است. من همین الان در داخل کشور سیاستها و جهتگیری هایی را می بینم که درست عکس این دارند برنامه ریزی می کنند؛ اینها دوست نیستند و نمی توانند دوست باشند. برای ایجاد تفرقه ی هرچه بیشتر دارند برنامه ریزی می کنند. نخبگان کشور؛ چه مسؤولان دولتی، چه مسؤولان روحانی، چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، چه نمایندگان محترم خبرگان، چه دستگاه های گوناگون دیگر، چه صاحب نظران سیاسی و شخصیت هایی که تأثیر دارند، منبر تبلیغی و سیاسی دارند؛ وظیفه ی همه است که بیش از پیش برای ایجاد وحدت تلاش کنند. چرا بیش از قبل؟ چون بالاخره این کدورت ها و شکافها به وجود آمده است و باید ترمیم شود و التیام پیدا کند.

مورد دوم هم که وظیفه ی سنگینی است، حمایت از دستگاه های اجرایی و بخصوص حمایت از دولت است؛ این هم وظیفه ی همه است. دولتی با شعارهایی سر کار آمده، این شعارها هم شعارهای جذابی است؛ شعارهای مردمی و انقلابی است. اگر این شعارها تحقق پیدا کند، این کشور سود خواهد برد؛ همه ی دلسوزان این نظام سود خواهند برد. اگر ما بتوانیم حقیقتاً عدالت اجتماعی را به پیش ببریم؛ اگر ما مسؤولان بتوانیم تطبیق رفتار خودمان را با اسلام بیش از گذشته کنیم؛ اگر بتوانیم از بعضی واگرایی هایی که با پاره یی از مبانی در برخی جاها پیدا شده، جلوگیری کنیم، این موفقیت بزرگی برای انقلاب و کشور است؛ سودی است که به همه می رسد؛ این طور نیست که سودش به يك شخص یا يك جناح یا مجموعه ی خاصی برسد؛ نه، همه سود می برند. در همه ی دوران شانزده، هفده سالی که دولتهای متعددی سر کار بودند و چهار بار ما انتخابات ریاست جمهوری داشتیم و دو شخصیت محترم در این مدت مسؤول بودند، موضع بنده همین موضع بود؛ بدون کم و کاست. معتقدم همه باید از رئیس جمهور و از دولت حمایت و به آنها کمک کنند. هیچ دولتی و هیچ کسی هم نیست که ما بتوانیم بگوییم از همه جهت کامل است؛ بالاخره هر کسی ممکن است در بخشی از کارش ضعفی وجود داشته باشد. دولتهای گذشته هم داشتند، این دولت هم مستثنا نیست. نباید ضعفها را عمده کرد؛ نباید نقض ها را بر کمالها ترجیح داد؛ باید این را دید که وسط این میدان و وسط این گود، مجموعه یی به نام دولت قرار گرفته که در رأس آن رئیس جمهور است و بیشترین بار بر دوش اینهاست. همین چیزهایی که الان شما آقایان فرمودید و همه ی ما توقع داریم این کارها انجام بگیرد، جز با پشتیبانی و اهتمام دولت انجام نخواهد گرفت. مشکلات فرهنگی، مشکلات اقتصادی، مسائل سیاسی، داخلی، خارجی و غیره، همه متوجه به هر دولتی است که سر کار است. باید دولتها و رؤسای جمهور را تقویت کرد. این جا هم وظیفه سنگین است. این طور نباشد که بعضی به خاطر توقعات زیاد، و بعضی به خاطر برخی کدورت هایی که ممکن است وجود داشته باشد، از چند طرف دولت را تضعیف کنند. این وظیفه ی بزرگ ماست که دولت را تقویت کنیم؛ مسؤولیت سنگینی است که لازم است انجام بگیرد.

نکته ی سوم که به اشاره عرض می کنم، طرح مباحث مبنایی سیاسی و فکری است. امروز توجه کنید که گرایش تبلیغی دشمنان ما فقط این نیست که به نظام اسلامی فحاشی کنند یا بد بگویند یا يك تهمت سیاسی بزنند؛ امروز دشمنان ما به شکل مبنایی با مباحثی که پایه ی جمهوری اسلامی است، دارند دست و پنجه نرم می کنند. به قول خودشان، دارند تفکر ضد جمهوری اسلامی را تئوریزه می کنند. در واقع برای تفکر سیطره ی استکباری دنیای استکبار و در رأس آنها آمریکا بر همه ی جهان، دارند پایه ی فکری درست می کنند.

آنچه مربوط به ایمان مردم است، آنچه مربوط به حقانیت اسلام و قرآن و احکام الهی است، آنچه مربوط به درآمیختگی و وحدت دین و سیاست است، آنچه مربوط به مبانی خاص جمهوری اسلامی است؛ همه ی اینها مورد چالش است و این چالش به شکل بسیار جدی دارد دنبال می شود. مخالفان نظام جمهوری اسلامی فقط يك مشت فحاش هایی که در رادیو و تلویزیون ها بنشینند و یاوه سرایی سیاسی بکنند، نیستند؛ افراد متفکر را به کار گرفته اند؛ آدمهایی را که در زمینه های فکری - چه دینی، چه سیاسی - می توانند حرفی به میدان بیاورند، به کار گرفته اند و دارند پول خرج می کنند و فکر درست می کنند و آن را به جامعه تزریق می کنند. در مقابله ی با این، نه عصبانیت، نه تکفیر، نه سلاح، نه قوه ی زور، هیچکدام فایده یی ندارد. در مقابل «لا یثلّ الحديد الا الحديد» باید با

منطق به میدان رفت. دشمن دارد از ابزارهای هنری استفاده می کند؛ از ابزارهای مدرن تبلیغی استفاده می کند و حرفها را پخش می کند؛ آماج عمده هم جوانهای ما هستند.

افکار را به مطبوعات و رسانه های گوناگون می آورند؛ حتی به رسانه های متصل به نظام می آورند - من حیث لا یشعر - و گاهی آنها هم چیزهایی را پخش می کنند. کسانی را با عنوان کاذب فیلسوف، سیاستمدار، متفکر و ... به رسانه ها می آورند؛ اینها با مبانی بینات قرآنی گلاویز و دست به یقه می شوند و بحث می کنند و این مبانی را زیر سؤال می برند. معلوم است؛ «و لتصغی الیه افئدة الذین لا یؤمنون بالاخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون»؛ عده یی که دلپایشان آماده است، همین ها را می گیرند؛ يك عده هم که غافل و ساده دلند و پیچیدگی علمی ندارند، اینها را می پذیرند. امروز وظیفه ی مهمی بر عهده ی نخبگان است.

جناب آقای امینی از قول جناب آقای آسیداحمد خاتمی (حفظهماالله) فرمودند که در باب روضه مطالب سست بیان می شود. من عرض می کنم فقط بحث روضه نیست؛ در بیان معارف الهی، معارف اهل بیت، حدیثی که نقل می کنیم، داستانی که نقل می کنیم، نسبتی که به امام می دهیم، معرفتی که می خواهیم پایبند آن باشیم؛ در همه ی اینها ما باید اتقان را رعایت کنیم. علمای ما این همه در فقه سر یک مسأله ی جزئی کوچک کم اهمیت به وثاقت فلان راوی تکیه می کنند، اهمیت می دهند، بحث می کنند، رد و قبول می کنند، این راوی مورد قبول است یا نیست؛ برای این که بالاخره سند روایت را تنقیح کنند و دریاورند؛ بگویند این سند، سند درستی است؛ که اگر سند درستی بود، به این روایت بشود اعتماد کرد؛ تا اگر اعتماد کردیم، يك حکم فرعی درجه ی سه در باب طهارت یا در باب بقیه ی احکام عبادی به دست بیاید. آن جا ما این همه اهمیت می دهیم؛ چطور در باب معارف و در باب دلبستگی های فکری و عاطفی، به هر حدیثی، به هر روایتی، به هر حرفی و به هر گفته یی اعتماد کنیم؟ این، قابل قبول نیست. اتقان در نقل، اتقان در بیان و اتقان در مستندات آنچه می خواهیم به عنوان خوراک فکری به مردم بدهیم، لازم است؛ این يك شرط اساسی است؛ برای این باید فکری کرد؛ کار آسانی هم نیست؛ عرض کردم این کار بسیار مشکل است؛ با يك نشست و برخاست و تذکر و تشکیل يك نهاد درست نمی شود؛ يك همت و اراده ی جدی از نخبگان روحانی و فضیلا روحانی می خواهد که بر این موضوع اصرار بورزند، پایبند باشند و دنبال کنند و از آنچه در مقابل به انسان برمی گردد، باک نکنند.

ما چند سال پیش این جا راجع به قمه زنی - امری که «بیّن الغی» است - مطالبی گفتیم؛ بزرگانی صحبت کردند، نجابت کردند، قبول کردند و مردم زیادی هم پذیرفتند؛ يك وقت دیدیم از گوشه هایی سروصدا بلند شد که آقا شما با امام حسین مخالفید! معنای «سفینة النجاة و مصباح الهدی» این است که ما عملی را که بلاشک شرعاً محل اشکال است و به عنوان ثانوی هم حرام مسلم و بیّن است، انجام دهیم؟ باید این روشنگری ها را بکنیم تا نسل جوان ما به اسلام بیشتر علاقه مند شود. گرایش جوانها را به اسلام می بینید. این گرایش، گرایش عاطفی است. این گرایش، بسیار ارزشمند است؛ اما مثل موجی است که ممکن است بیاید و برگردد. ما اگر بخواهیم این موج همچنان استمرار داشته باشد، باید پایه های فکری جوانها را محکم کنیم. ما این همه منبع داریم. همین دعای ابوحمزه که حضرت آقای مشکینی فرمودند، دعای امام حسین در روز عرفه، اینها را جوانهای ما می خوانند؛ اما معنایش را نمی فهمند. «الهی هب لی قلبا یدنیه منک شوقه»؛ چقدر از این گونه مناجات ها و از این گونه مبانی و از این حرفهای عمیق در دعاهایی مثل مناجات شعبانیه و صحیفه ی سجادیه وجود دارد که احتیاج هست ما اینها را برای جوانها بیان و تبیین و روشن کنیم تا بفهمند و با علاقه و عاطفه و شوقی که دارند، بخوانند.

نکته ی آخر، وظیفه ی سنگین در باب خدمت رسانی است؛ که این وظیفه عمدتاً متوجه به مسؤولان دولتی است. خدمت رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آنها شود، طبقه ی محروم و مظلوم و مستضعف جامعه اند که محتاج خدمتند. ما باید این خدمت را به آنها برسانیم و خدمت رسانی را تسهیل کنیم. این، خود يك قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است. امروز دیگر کوتاهی ها و تکاسل ها و وقت مفید اداری را به يك ساعت یا کمتر یا اندکی بیشتر رساندن، قابل تحمل نیست؛ اینها باید درست شود. البته مجاهدت و تلاش لازم است. همه باید ان شاءالله کمک کنند تا مسؤولان بتوانند وظایف خود را انجام دهند.

ان شاء الله خداوند متعال به همه ی ما توفیق دهد تا بتوانیم این وظایف سنگین را انجام دهیم. در این برهه ی حساس، کارهایی بر دوش همه ی ماست و از یکایک ما درباره ی نعمتهای خداوند سؤال خواهد شد - «ثم لتسئلنّ یومئذ عن التّعیم» - و ما باید پاسخگوی این نعمت بزرگ باشیم. خداوند ان شاء الله توفیق دهد تا بتوانیم این بارهای سنگین را تحمل کنیم و به منزل برسائیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته